

## مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه ریزی شهری

دکتر صدیقه لطفی\*

استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه مازندران

### چکیده

واژه کیفیت زندگی سرچشمه روشنی ندارد. کیفیت زندگی اگرچه جذابیت و معنی عام دارد، یک تعریف پذیرفته عام ندارد. هر عبارتی که در تعریف کیفیت زندگی بکار رود، کیفیت زندگی یک فرد به حقایق عینی و خارجی زندگی اش و دریافت ها و ادراکات درونی و ذهنی او از این عوامل و نیز از خودش وابسته است.

بهبود کیفیت زندگی [۱] در یک مکان خاص و یا برای اشخاص و گروه های خاص همواره کانون اصلی توجه برنامه ریزان بوده است. در واقع بهبود کیفیت زندگی در هر جامعه ای، یکی از مهم ترین اهداف سیاست های عمومی آن جامعه می باشد. در سال های اخیر مطالعات پیرامون کیفیت زندگی به طور عمده بر ماهیت شهری تمرکز کرده و بحث بر روی کیفیت زندگی شهری [۲] در میان تحقیقات و مطالعات تجربی رواج یافته است. بدون شک تمایل جمعیت در سرتاسر جهان برای تمرکز یافتن در شهرها، یکی از دلایل اصلی تقویت این جریان مستقل در تحقیقات بر روی کیفیت زندگی می باشد.

این پژوهش به دنبال آن است تا ضمن بررسی ادبیات مطروحه در این زمینه در سطح جهانی، تلاشی در زمینه شناخت تعاریف و ابعاد این مفهوم با تاکید بر برنامه ریزی شهری داشته باشد. در ادامه نیز با ذکر چند نمونه انجام شده در دنیا، به تحلیل شیوه های سنجش این مفهوم در برنامه ریزی شهری از یک طرف و لزوم این سنجش از طرف دیگر می پردازد.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی شهری، برنامه ریزی شهری، ابعاد، سنجش

## مقدمه

از دهه ۱۹۳۰، محققان با روش های (و طرز برخوردها) متنوع کیفیت زندگی را مطالعه کرده اند. آنان کوشیده اند تا اجزاء و عناصر کیفیت زندگی را معین نمایند و مناطق جغرافیایی مانند شهرها، ایالات و ملت ها را بوسیله شاخص های کیفیت زندگی که آنها گسترش دادند مقایسه کنند (لیو، ۱۹۷۶، بویر و ساواگو، ۱۹۸۱؛ بلوم کوئیست و دیگران، ۱۹۸۸؛ استاور و لیون، ۱۹۹۲؛ سوفین، ۱۹۹۳). علاوه بر محققان، سازمان های بین المللی مانند UNDP (۱۹۹۴) سازمان ملل و شورای توسعه فرامرزی (۱۹۹۶) شاخص های (تعریف شده) خودشان را برای کیفیت زندگی توسعه دادند.

دلیل مهم برای چنین توجه ای به (مفهوم) کیفیت زندگی در سؤال برای تخصیص موثر منابع محدود و کمیاب نهفته است (Megone, 1990, p35). (با توجه به) منابع معین، سیاست گذاران می بایست بهینه ترین راه را برای توزیع آنها در راستای نیازها و اولویت های مردم بیابند. این امر می تواند بوسیله کاربرد نتایج تحقیقات مرتبط بعنوان ورودی در فرآیند تصمیم سازی و سیاست گذاری تحقق یابد. به بیان دیگر چنین تحقیقاتی وسیله و ابزار تولید توصیه های سیاستی مناسب برای اولیای امور (مسئولان) هستند. این توصیه ها و نظریه ها جزء با اهمیت و تعیین کننده ای برای سیاست گذاران هستند. در نتیجه ی همگرایی (جهانی سازی و منطقه ای سازی) مرزهای فیزیکی و اقتصادی را میان ملت ها می زداید، شرکت های چند ملیتی نقش آفرین نظام اقتصادی جهان می شوند و شهرها، به جای کشورها، بلوک ها و اجزای سازنده این نظام (جهانی) را تشکیل می دهند. بنابراین شهرها می بایست واجد شرایط زیادی شوند تا سرمایه ها را از شرکت های چند ملیتی به خود جلب کنند.

آنها مجبورند زیرساخت ها، ارتباطات، حمل و نقل، نظام های قانونی، امنیت، پرسنل خوب آموزش دیده و یک اساس و زمینه تکنولوژیکی با کیفیت، جهت فراهم شدن ارتباط و واسطه لازم برای رشد اقتصادی ارائه کنند. این امر به نوبه ی خود، منجر به افزایشی قابل توجه در استانداردهای مسکونی زندگی خواهد شد (Ulengin, 2001, p342). مفهوم کیفیت زندگی شهری اهمیت بیشتری می یابد هنگامی که توجه شود که در ابتدای قرن بعد جمعیت جهان بین ۷.۶ تا ۹.۴ بلیون برآورد می شود و جمعیت شهری نیز انتظار می رود به ۵۰ درصد برسد (Sufian, 1993, p1323).

## روش تحقیق

روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است که با بررسی گسترده ادبیات موضوع در سطح جهانی، تلاشی در زمینه شناخت تعاریف و ابعاد این مفهوم با تاکید بر برنامه ریزی شهری داشته باشد. در ادامه نیز با ذکر چند نمونه انجام شده در دنیا، به تحلیل شیوه های سنجش این مفهوم در برنامه ریزی شهری از یک طرف و لزوم این سنجش از طرف دیگر می پردازد.

## مفهوم کیفیت زندگی

واژه کیفیت زندگی سرچشمه روشنی ندارد. کیفیت زندگی اگرچه جذابیت و معنی عام دارد، یک تعریف پذیرفته عام ندارد. به هر حال در بیان کلی، کیفیت زندگی به مولفه (های) کامیابی یا رضایت مندی بیشتر یا کمتر در زندگی مردم مربوط می شود.

مفهوم کیفیت زندگی چند مشخصه جالب توجه دارد: الف: تنها به زندگی انسانی ارجاع دارد. ب: به ندرت در (صیغه) جمع بکار رفته (یعنی بصورت کیفیات زندگی) است. ج: به عنوان یک عبارت عام و غیر قابل تقسیم می باشد که معنایش می تواند ناب (و خالص) باشد. د: مشکل است که آن را به هر رده مجزا از علوم مرتبط با جامعه شناسی طبقه بندی نمود (Dissart, 2000, p156).

رامنی، براون و فرای (۱۹۹۴) کوشیده اند تا توضیح دهند چرا تعریف جهان شمول پذیرفته ای از کیفیت زندگی وجود ندارد:

۱- فرآیندهای درونی و ذهنی وابسته به تجارب کیفیت زندگی می توانند از طریق فیلترها (دیدگاه های) و بیان های مختلف توضیح داده و تفسیر شوند،

۲- مفهوم کیفیت زندگی به میزان قابل توجهی سنگین (و مبهم) است،

۳- مفهوم کیفیت زندگی فهمیدن رشد بشر و فرآیندهای توسعه ای، میانگین امید به زندگی افراد در جوامع شان و گستره ای که این فرآیندهای روان شناختی تحت تاثیر عوامل محیطی و نظام های ارزش (گذاری) انفرادی هستند، را در بر دارد (Romney, 1997, p253).

فقدان یک تعریف استاندارد از این مفهوم، باعث شده است که گاه از واژه هایی نظیر رفاه، سطح زندگی، رضایت مندی از زندگی و ... نیز بجای واژه کیفیت زندگی در ادبیات مطروحه در این زمینه استفاده شود. برخی از صاحب نظران واژه کیفیت زندگی را در رشته ای پیوسته از مفاهیم قرار می دهند، برخی دیگر اینگونه استدلال می کنند که کیفیت زندگی مفهومی چند بعدی است. به رغم تنوع و گوناگونی مفاهیم برای اندازه گیری کیفیت زندگی، تعداد زیادی از مولفان نظر داده اند که همبستگی متقابل بالایی میان آنها وجود دارد. همین دلیل باعث شده است که تلاش کمی برای تدوین تئوری مدون برای تعریف واژه کیفیت زندگی از سوی صاحب نظران انجام پذیرد. کیفیت زندگی (موضوعی) چند رشته ای و چند شاخه ای است، از این رو مفهومی چند بعدی است (Ulengin, 2001, p342). هر عبارتی که در تعریف کیفیت زندگی بکار رود، کیفیت زندگی یک فرد به حقایق عینی و خارجی زندگی اش و دریافت ها و ادراکات درونی و ذهنی او از این عوامل و نیز از خودش وابسته است. این مساله تقریباً توسط اکثر پژوهش گران مورد تصدیق قرار گرفته است. بنابراین، تحقیق در مورد کیفیت زندگی می کوشد تا اثر مرکب این عوامل عینی و ذهنی را بر رفاه و سعادت بشری سنجش نماید.

مطالعات در مورد کیفیت زندگی می تواند بصورت سطوح متقاطع یا طولی باشد، با متغیرهای ساده و یا چندگانه. دو مدل معروف برای توضیح ارتباط بین کیفیت زندگی و دیگر متغیرها پیشنهاد شده اند: مدل از بالا به پائین: براساس این فرض است که کیفیت زندگی ویژگی ثابتی است که باعث خروجی (نتیجه) های معینی در زندگی افراد می شود و مدل از پائین به بالا، که متکی است به این قضیه که متغیرهای خاصی کیفیت زندگی افراد را تحت تاثیر قرار می دهند (Evans, 1994, p73).

داینر و ساهه (۱۹۹۷) استدلال کردند که سه رهیافت مهم علمی (فلسوفانه) برای تعریف و تعیین کیفیت زندگی وجود دارند: ۱- مشخصه های کیفیت زندگی تحمیل می شود بوسیله ایده آل های هنجاری که براساس مذهب،

فلسفه یا دیگر نظام‌ها می‌باشند؛ ۲- رضایت از اولویت‌ها (سودمندی انتخاب)؛ ۳- تجربه‌ی افراد. این رهیافت‌ها وابسته هستند به سه سنجه کیفیت زندگی: شاخص‌های اجتماعی، شاخص‌ها و نمایه‌های اقتصادی و سعادتمندی. داینر و ساهه استدلال کردند که یک یکپارچگی (همگردانی و اجتماع) از این سه سنجه می‌تواند سیاست‌گذاری را تسهیل کند (Dissart, 2000, p157).

### کیفیت زندگی شهری و برنامه ریزی

آرزوی بهبود "کیفیت زندگی" در مکانی مشخص و برای شخص یا گروه مشخص، کانون توجه مهمی برای برنامه ریزان است. هم چنین می‌توان اظهار کنیم که اقدام به برنامه ریزی بصورت فعالیتی عمومی و همگانی، به‌طور بالقوه ای می‌تواند کیفیت زندگی شهروندان را به وجود آورد.

کتاب کلاسیک فریدمن (۱۹۸۷) درباره‌ی برنامه ریزی در حوزه‌ی همگانی و عمومی، این موضوع را به‌طور زیادی روشن می‌سازد که برنامه ریزان مسئولیت قابل توجهی برای همکاری و شرکت در ایجاد جوامع آزاد، قانون مدار و مسئول برعهده دارند، جوامعی که در آن‌ها انتخاب‌های پیچیده و مرکب ارزیابی و سنجیده شده و برنامه‌های مناسب آن اجرا و تکمیل شده‌اند. چنین برنامه‌هایی عواقب و نتایج مستقیمی هم بر جنبه‌های خصوصی و هم جنبه‌های عمومی و همگانی زندگی شهروندان در زمینه‌ی کیفیت زندگی شان دارد (Massam, 2002, p198).

برنامه‌ریزان شهری، دولت مردان، سیاست‌مداران، سازمان‌های غیردولتی و (نیز) عموم مردم می‌کوشند تا فرآیند و خروجی‌های برنامه ریزی را، در جهت تغییر شرایط و بالا بردن کیفیت زندگی تحت تاثیر قرار دهند و کالبد و محیط اجتماعی را فراهم کنند که در آن کیفیت زندگی ارتقاء یابد.

مطالعه کیفیت زندگی در برنامه ریزی شهری به گستره وسیعی از فرض‌هایی متکی است که گستردگی آن‌ها به اندازه‌ی گوناگونی است که در کیفیت زندگی میان افراد، گروه‌ها یا مکان‌ها می‌تواند تشخیص داده شود و تدابیر تجویز شده می‌تواند یا باید تفاوت‌ها (و اختلافات) را ریشه کن نماید. به هر حال میان برنامه ریزان شهری و سیاست‌گذاران درباره‌ی تدقیق معنای کیفیت زندگی، اجزای منفردی که کیفیت زندگی را در بردارند (کیفیت زندگی از مجموع و تعامل آن‌ها بدست می‌آید) و روشی که از طریق آن برنامه‌های ویژه، کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشند، توافق اندکی وجود دارد. در عین حال در گزارشات و پروژه‌های برنامه ریزی شهری بسیاری به مفهوم کیفیت زندگی شهری اشاره می‌شود، چه به عنوان نتیجه و حاصل پروژه و چه به عنوان بررسی وضعیت موجود.

در واقع استفاده از مفهوم کیفیت زندگی شهری در برنامه ریزی شهری حداقل می‌تواند در دو مرحله از فرآیند برنامه ریزی مورد استفاده قرار بگیرد. مرحله اول جایی است که برنامه ریزان می‌خواهند چشم‌انداز صحیح و قابل اطمینانی از وضعیت موجود شهر داشته باشند. در واقع در این مرحله برنامه ریزان در پی آن هستند تا اولویت‌ها و مسائلی را که از اهمیت بیشتری برخوردار هستند، به‌طور ویژه مورد توجه قرار بدهند، که بررسی ابعاد مختلف کیفیت زندگی شهری می‌تواند راهنمای مناسبی برای آن‌ها در این مرحله باشد. مرحله دوم جایی است که برنامه‌ها و پروژه‌ها می‌بایست مورد ارزیابی قرار بگیرند تا سودمندی و کارایی آنها تایید شود. در این مرحله نیز بررسی اثراتی که این برنامه‌ها و پروژه‌ها بر روی ابعاد مختلف کیفیت زندگی شهری می‌توانند داشته باشند، راهنمای مناسبی را

برای برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران بوجود می‌آورد. در واقع برنامه‌ها و پروژه‌هایی می‌تواند سودمندی و کارایی داشته باشد که در نهایت منجر به بالا بردن کیفیت زندگی شهری شود و به‌خصوص برخی ابعاد آنرا که بیشتر مورد توجه برنامه‌ریزان شهری می‌باشد، ارتقاء دهد.

### ابعاد کیفیت زندگی شهری

تعداد زیادی از محققان، همانند مک‌کال (۱۹۷۵)، مایرز (۱۹۸۷)، دیویدسن و کاتر (۱۹۹۱)، اوبرین و ایدی (۱۹۹۱)، گری‌سون و یونگ (۱۹۹۴)، دینر و ساهه (۱۹۹۷)، تراک سرور و اتالک (۲۰۰۱)، در مورد ادبیات کیفیت زندگی، بررسی و مرور کرده‌اند و در این مورد موافقت وجود دارد که تعریفی پرمعنی و جامع از کیفیت زندگی می‌بایست به رسمیت شناخته شود که: این مفهوم (کیفیت زندگی) دو بعد مرتبط و پیوسته دارد یعنی یک بعد روان‌شناختی و یک بعد محیطی.

گری سن و یونگ (۱۹۹۴، ۱۹۸۸) اشاره می‌کنند به نظر می‌رسد یک توافق و اجماع وجود داشته باشد که در تعیین کیفیت زندگی دو سری بنیادی از اجزاء و فرایندها در تعامل می‌باشند: آن‌هایی که به یک فرایند روان‌شناختی داخلی وابسته‌اند و یک احساس رضایت مندی و یا کامروایی را ایجاد می‌کنند و آن‌ها که شرایط بیرونی هستند و فرآیندهای داخلی را بر می‌انگیزند. راجع به بعد اول، عبارات دیگری بکار رفته‌اند، مثلاً: کیفیت زندگی انفرادی/ شخصی، رفاه و خوشبختی ذهنی و درونی یا رضایت از زندگی. برای بعد دوم عبارات و سطوح مختلفی به‌کار رفته‌اند، مثلاً کیفیت زندگی شهری، کیفیت زندگی اجتماعی، کیفیت مکان و کیفیت زندگی محیطی (Massam, 2002, p183). از آنجائی که مفهوم "کیفیت زندگی" چنین پیچیده و چندوجهی است، غالباً گفته می‌شود که ترکیب و آمیختن هر دو بعد برای فراهم کردن تصویر کاملی از کیفیت زندگی در مورد یک شخص یا یک مکان، اهمیت دارد. دیسارت و دلر استدلال می‌کنند که "کیفیت زندگی یک فرد وابسته است به حقایق بیرونی و عینی زندگی‌اش و ادراک درونی و ذهنی که او از این عوامل و نیز از خویشتن دارد" (Dissart, 2000, p159).

همان‌طور که گفته شد مفهوم کیفیت زندگی، مفهومی چندجانبه و چندوجهی می‌باشد. با مرور مطالعات انجام شده در زمینه کیفیت زندگی شهری به‌وضوح دیده می‌شود که این مساله که کیفیت زندگی شهری دارای اجزای مختلفی می‌باشد، مورد تایید محققان قرار گرفته است. محققان در پژوهش‌های خود بر روی کیفیت زندگی شهری به‌طور کلی اجزای تا حد زیادی مشابه را به‌عنوان ابعاد مختلف کیفیت زندگی شهری انتخاب کرده‌اند ولی شاخص‌هایی که برای سنجش این اجزا در نظر گرفته‌اند، متفاوت می‌باشد.

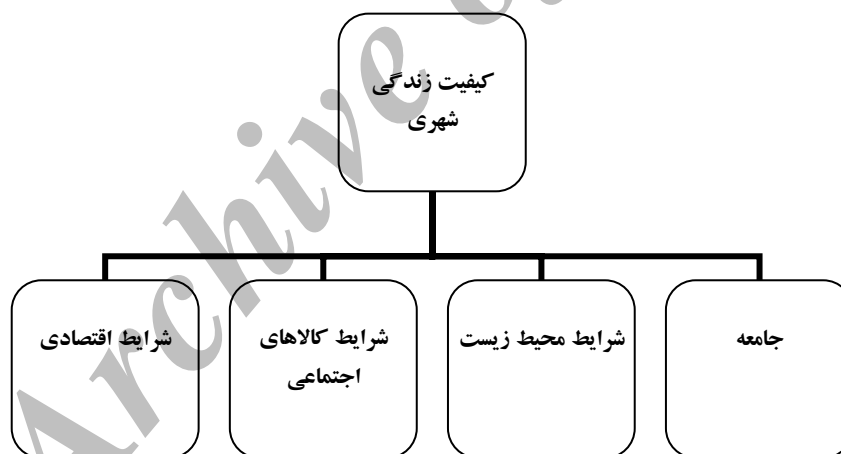
جدول زیر جنبه‌هایی را که در پژوهش‌های مختلف در زمینه کیفیت زندگی شهری، به‌عنوان جنبه‌های مختلف کیفیت زندگی شهری توسط پژوهشگران مختلف انتخاب شده است، نشان می‌دهد (جدول شماره ۱):

جدول شماره (۱) جنبه های کیفیت زندگی شهری در پژوهش های مختلف

منبع	جنبه های کیفیت زندگی شهری بکار رفته در پژوهش
Liu (1976)	۱- اقتصاد ۲- سیاست ۳- محیط زیست ۴- اجتماع ۵- آموزش
Boyer and Savageau (1981)	۱- آب و هوا ۲- مسکن ۳- محیط زیست و بهداشت ۴- جرم ۵- حمل و نقل ۶- آموزش ۷- هنر ۸- تفریح ۹- اقتصاد
Blomquist et al. (1988); Stover and Leven (1992)	۱- نزولات جوی ۲- تعداد روزهای گرم ۳- تعداد روزهای سرد ۴- رطوبت ۵- سرعت باد ۶- تابش آفتاب ۷- ساحل ۸- جرم ۹- نسبت معلم به شاگرد ۱۰- ذرات معلق ۱۱- مواد زاید
Sufian (1993)	۱- امنیت عمومی ۲- هزینه خوراک ۳- فضای زندگی ۴- استاندارد مسکن ۵- ارتباطات ۶- آموزش ۷- بهداشت عمومی ۸- آرامش ۹- جریان ترافیک ۱۰- هوای پاک
Human Dev. Index (UNDP, 1994)	۱- امید به زندگی ۲- نرخ بیسوادی بزرگسالان ۳- متوسط قدرت خرید
Protassenko (1997)	۱- درآمد ماهانه هر شخص ۲- توزیع درآمد ۳- مخارج خوراک ماهانه

منبع: (Ulengin, 2001, p 343)

همانطور که در جدول بالا مشاهده می شود، اگر چه جنبه های مختلف کیفیت زندگی شهری در هر یک از پژوهش ها متفاوت می باشد و با دیگر پژوهش ها مشابه نیست، لیکن تشابهات زیادی در نوع جنبه های مورد بررسی در این پژوهش ها دیده می شود. سارتوس و مارتینز (۲۰۰۷) در پژوهشی که به منظور نظارت بر کیفیت زندگی شهری در شهر پورتو انجام داده اند، برای کیفیت زندگی شهری در این شهر جنبه های زیر را تعریف کرده اند (شکل شماره ۱):



شکل شماره ۱: کیفیت زندگی شهری انظر سانتس و مارتینز

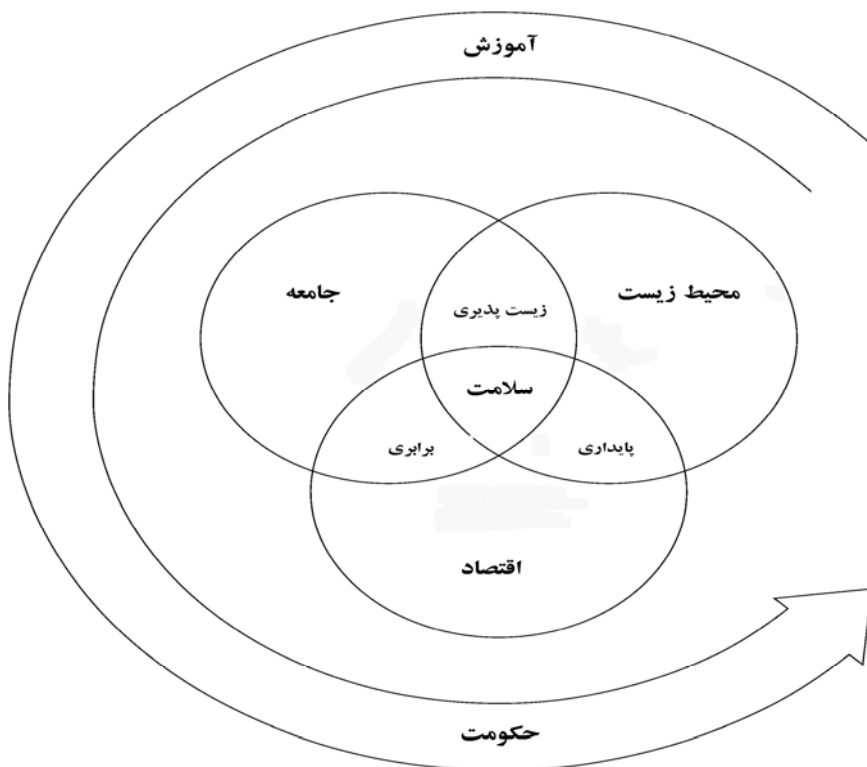
منبع: (Santos, 2007, p418)

در ادامه برای هر یک از جنبه های بالا، موضوعات زیر را تعریف نموده اند:

الف: جامعه: جمعیت، آموزش، ساختار فرهنگی، بهداشت، ایمنی، ناهنجاری های اجتماعی ب: وضعیت محیط زیست: فضاها، سبز، آب و هوا، صدا، کیفیت هوا، زیرساخت های اساسی ج: وضعیت کالاهای اجتماعی: تسهیلات اجتماعی، تسهیلات ورزشی، تسهیلات آموزشی، تسهیلات اجتماعی و درمانی، تحرک و پویایی، خرده فروشی د: وضعیت اقتصادی: درآمد و هزینه، بازار کار و بازار مسکن، مکانیزم اقتصادی (Santos, 2007, p418)

در پژوهش های اخیر در زمینه ی کیفیت زندگی شهری، ابعاد مختلف کیفیت زندگی شهری را به مثابه ی ابعاد مختلف توسعه پایدار شهری در نظر می گیرند. به عبارت دیگر این عقیده بوجود آمده است که مفهوم کیفیت زندگی

شهری با توسعه پایدار شهری همگرایی بسیار زیادی داشته و حتی می تواند به جای هم به کار برده شود. در واقع صحبت از کیفیت زندگی شهری بدون توجه به توسعه پایدار شهری معنادار نمی باشد و همچنین وقتی بحث توسعه پایدار شهری مطرح می شود، خود به خود مفهوم کیفیت زندگی شهری نیز موضوعیت پیدا کرده و پدیدار می شود. هنکوک و همکاران (۱۹۹۹) یک چارچوبی را برای تعیین ابعاد مختلف کیفیت زندگی شهری تدوین کردند که به گفته ی ایشان این چارچوب می تواند برای تدوین ابعاد پایداری، رفاه و کیفیت زندگی شهری در یک جامعه مورد استفاده قرار بگیرد. این چارچوب در شکل شماره ۲ نشان داده شده است.



شکل شماره ۲: چارچوب اساسی به منظور تدوین جنبه های کیفیت زندگی شهری

منبع: (Hancock, 1999, p24)

### سنجش کیفیت زندگی شهری

همانطور که گفته شد مفهوم کیفیت زندگی شهری، مفهومی چند بعدی و پیچیده می باشد. بدون شک زمانی می توان از این مفهوم در برنامه ریزی های شهری استفاده کرد، که چارچوبی مناسب و قابل اطمینان برای سنجش آن تدوین شود. در این بخش موضوع سنجش کیفیت زندگی شهری در دو زیر مجموعه روش های سنجش و رویکردهای سنجش مورد بررسی قرار می گیرد:

#### ملاحظات پیرامون انتخاب شاخص های سنجش

اولین گام در راستای سنجش کیفیت زندگی شهری انتخاب ابعاد آن و سپس انتخاب شاخص هایی است که با استفاده از آن ابعاد مختلف کیفیت زندگی شهری مورد سنجش قرار بگیرد. شاخص ها به منظور ارزیابی تغییرات فرآیندها و پدیده هایی در طول زمان بکار می رود که سنجیدن مستقیم آن ها مشکل است.

استفاده عملی از شاخص ها برای نقد شرایط اجتماعی در حدود دهه ی ۱۸۳۰ آغاز شد، هنگامی که اصلاح طلبان اجتماعی در اروپا، انگلستان و آمریکا از آمارهای اجتماعی برای بهبود شرایط بهداشت عمومی استفاده می کردند. در دهه ی ۱۹۶۰، شاخص های اجتماعی توسط تعداد زیادی از دولت ها در سراسر جهان به عنوان بخشی قوی از توسعه سیاسی مورد استفاده قرار گرفت (Dwyer, 2004, p211).

برخی از مهمترین مسائلی که در انتخاب شاخص ها می بایست مورد توجه قرار بگیرد، عبارتند از:

- مفهوم پشتیبانی کننده [۳]: یکی از مهم ترین موضوعات در انتخاب شاخص ها، اطمینان از این مساله است که شاخص های انتخاب شده، نیازهای مربوط به سوالات پژوهش را برطرف می سازند.
- اعتبار: شاخص ها می بایست بدرستی نشان دهنده ی مفاهیم توضیح داده شده در مدل باشند یا می بایست به عنوان جایگزین های معتبری برای این مفاهیم باشند. برای اطمینان از اعتبار، شاخص ها باید از داده های معتبر و تصدیق شده استفاده کنند.
- کیفیت و دسترسی داده [۴]: برای هر کدام از شاخص ها می بایست داده از یک منبع معتبر در دسترس باشد.
- حساسیت [۵]: شاخص ها نسبت به تغییر زمان حساس هستند و این مساله باعث می شود درک بیشتری را در جزئیات فاکتوری که اندازه گیری می شود، فراهم شود.
- سادگی [۶]: شاخص ها به منظور نشان دادن مفاهیم به طیف متنوعی از افراد مورد استفاده قرار می گیرند و به همین دلیل در عین حال که پیچیدگی مفهوم نشان داده شده را منعکس می کنند، می بایست به سادگی قابل فهم باشند.
- قابل کمی شدن [۷]: شاخص ها می بایست بوسیله روشی که به آسانی قابل فهم باشد، قابل اندازه گیری باشند (Dwyer, 2004, p211).

همچنین پژوهش گران تاکید دارند قبل از انتخاب شاخص ها به منظور سنجش کیفیت زندگی شهری بهتر است به ملاحظات زیر اندیشیده شود (Massam, 2002, p116).

- آیا شاخص های مورد استفاده در مطالعه، تکراری از شاخص های مطالعات دیگر در آن شهر می باشند، تا بتوان کار تطبیقی انجام داد؟ آیا شاخص ها با استفاده از داده های معتبر و قابل استناد اندازه گیری شده اند؟ آیا شاخص ها صریح، به درستی و بدون ابهام، ابعاد مشخص UQUL (را که فرض شده درست هستند) را منعکس می کند؟ آیا شاخص ها مستقل هستند یا به طریقی به هم مرتبط می باشند؟ آیا در انتخاب شاخص ها اجماع عمومی وجود داشته است؟ (مشارکت گروه های مختلف).

#### شاخص های مورد استفاده

گوناگونی شاخص های مورد استفاده در مطالعات کیفیت زندگی شهری بی شمار می باشند. این مساله با توجه به چند بعدی بودن مفهوم کیفیت زندگی شهری امری بدیهی می باشد. عموماً فرض می شود که هر شاخص، بزرگی و اهمیت یک بعد خاص از کیفیت زندگی شهری را منعکس می کند. این فرض بر این پایه استوار است که کیفیت زندگی شهری می تواند به مجموعه ای از اجزاء یا ابعاد تفکیک شود و اگر این اجزاء به درستی ترکیب شوند، در نتیجه یک ارزش یا امتیاز کلی برای کیفیت زندگی شهری می تواند بدست بیاید.



مک لارن (۱۹۹۶) بیان می کند که: یک توافق عمومی وجود دارد که دو نوع مشخص از شاخص ها برای سنجش کیفیت زندگی مناسب هستند. نوع اول که شامل شاخص های عینی هستند که جنبه های ملموس محیط ساخته شده، محیط طبیعی و حوزه ی اجتماعی و اقتصادی را اندازه گیری می کنند. نوع دوم که شاخص ذهنی است، یک بیان قابل اندازه گیری از حس رفاه افراد و رضایت مندی از یک جنبه ی خاص از زندگی می باشد (Massam,2002,p121). بنابراین اندازه گیری گرایش مردم به ارتکاب جرم در یک واحد همسایگی یک شاخص ذهنی است درحالیکه تعداد دزدی هایی که در یک واحد همسایگی مشابه رخ می دهد، یک شاخص عینی را نشان می دهد. هر چند بر سر این دو دسته شاخص در بین صاحب نظران توافق وجود دارد لیکن انواع مختلفی از این دو دسته شاخص در پژوهش های مختلف بکار برده شده است. در زیر به شاخص های مورد استفاده در دو مورد از پژوهش های انجام شده در زمینه کیفیت زندگی شهری اشاره می شود:

**شاخص های مورد استفاده در سنجش کیفیت زندگی در شهرهای آمریکایی:** این پژوهش که توسط اشنایدر (۱۹۷۶) بر روی شهرهای آمریکایی انجام شده است، در مرحله اول شش بعد را برای کیفیت زندگی در این شهرها در نظر گرفته است. این ابعاد عبارتند از: نابسامانی های اجتماعی، مشارکت، آموزش، درآمد، محیط زیست و بهداشت. سپس برای هر کدام از این ابعاد، شاخص هایی را به منظور سنجش آنها انتخاب کرده است. به عنوان مثال برای بعد نابسامانی های اجتماعی شاخص هایی چون: سرقت در هر ۱۰۰ هزار نفر، نرخ معتادان را در نظر گرفته است. این ابعاد و شاخص های انتخابی بتفصیل در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

جدول شماره (۲) ابعاد و شاخص های انتخابی در شهرهای آمریکایی

ابعاد کیفیت زندگی شهری	شاخص ها
درآمد، اشتغال	درصد نیروی فعال بیکار
	درصد خانوارهای با درآمد کمتر از ۳۰۰۰ دلار
	سرنه درآمد
محیط زیست	درصد مساکن زیراستاندارد
	کیفیت هوا
	هزینه حمل و نقل برای یک خانوار ۴ نفره
بهداشت	مرگ و میر اطفال در هر ۱۰۰۰ تولد
	نرخ خودکشی در هر ۱۰۰ هزار نفر
آموزش	میانگین سال های تحصیل انجام شده توسط جمعیت بالغ
مشارکت	درصد واجدین شرایطی که در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردند.
	سرنه مالیات دهندگان
نابسامانی های اجتماعی	سرقت ها در هر ۱۰۰ هزار نفر
	نرخ معتادان

منبع: (Massam,2002,p123)

شاخص های کیفیت زندگی شهری در تورنتو: این پژوهش که تحت عنوان پروژه شهر سالم در تورنتو انجام شده است (۱۹۹۳)، پنج بعد را برای سنجش کیفیت زندگی شهری در تورنتو در نظر گرفته است. این ابعاد عبارتند از: حیات اقتصادی، محیط زیست، بهداشت جامعه، حمل و نقل و ایمنی. در ادامه به منظور سنجش هر یک از این ابعاد،

شاخص‌هایی را تدوین نموده است. از ویژگی‌های این پروژه می‌توان به این اشاره نمود که مقیاس و دوره زمانی که شاخص بوسیله آن‌ها ساخته شده است نیز به روشنی ذکر شده است. جدول شماره ۳ ابعاد و شاخص‌ها و هم‌چنین مقیاس و دوره زمانی آن‌ها را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۳) ابعاد پنج گانه سنجش کیفیت زندگی شهری در تورنتو

موضوع	شاخص	مقیاس	دوره زمانی
حیات اقتصادی	بیکاری	نسبت	۱۹۸۲-۱۹۹۲
	اشتغال	٪ در هر بخش	۱۹۹۲
	میزان خط فقر	متوسط برای هر بخش	۱۹۹۲
محیط زیست	خانوارهای کم درآمد	تعداد در هر واحد سرشماری	۱۹۸۶
	اکسید نیتروژن	٪ بوسیله منبع منتشرکننده	۱۹۸۹
	ذرات معلق	٪ بوسیله منبع منتشرکننده	۱۹۸۹
	مونوکسیدکربن	٪ بوسیله منبع منتشرکننده	۱۹۸۹
بهداشت جامعه	تولید زباله	کیلوگرم/ سرانه	۱۹۸۸-۱۹۹۲
	تعداد مرگ و میر	تعداد در هر واحد سرشماری	۱۹۸۴-۱۹۸۸
حمل و نقل	مرگ و میر افراد بی‌خانمان	تعداد	۱۹۸۸-۱۹۹۰
	نوع حمل و نقل	٪ در هر نوع	بدون تاریخ
ایمنی	جرم	٪ برحسب نوع جرم و جنس قربانی	۱۹۹۱

منبع: (Healthy city, Toronto, 1993:p198)

#### مدل‌های مورد استفاده برای وزن دهی و امتیازدهی به ابعاد و شاخص‌ها

به‌منظور وزن دهی و امتیازدهی به ابعاد و شاخص‌های مختلف کیفیت زندگی شهری، مدل‌ها و روش‌های متنوعی در پژوهش‌های مربوطه مورد استفاده قرار گرفته است. در واقع در هر مورد محققان و پژوهش‌گران با توجه به اهداف و امکانات پژوهش از مدلی خاص جهت وزن دهی استفاده کرده‌اند. این مساله که هر چقدر مدل پیچیده‌تر و اعمال آن مشکل‌تر باشد پس نتایج حاصله صحیح‌تر می‌باشد، نادرست می‌باشد. چرا که هر چقدر مدل پیچیده‌تر باشد بدیهی است که داده‌ها و امکانات بیشتری را برای اعمال خود نیاز دارد و این مساله در شرایطی که امکانات ما محدود است، نه تنها ما را به سمت و سوی صحیح هدایت نخواهد کرد بلکه ممکن است سبب به‌وجود آمدن انحرافات بزرگی نیز در پروژه شده و نتایج را تحت تاثیر خود قرار بدهد. لیکن در این مرحله مهمترین مساله این است که مدل و روشی انتخاب شود که با توجه به شرایط موجود پروژه، بیشترین انطباق و سازگاری را داشته باشد.

از میان روش‌ها و مدل‌های متنوعی که برای تعیین اهمیت و وزن دهی به شاخص‌ها وجود دارد، چهار روش زیر بیشترین کاربرد را داشته‌اند و در پژوهش‌های بسیاری تکرار شده‌اند: (Massam, 2002,p126).

- اختصاص نقاط ( امتیاز ) به یک مجموعه از شاخص‌ها.

- مقایسه دودوئی شاخص‌ها برای تعیین اهمیت نسبی همه‌ی شاخص‌ها. این اطلاعات می‌تواند برای استنتاج

یک مقیاس وزنی برای اهمیت‌های نسبی مورد استفاده قرار بگیرد.

- رتبه بندی شاخص ها بر اساس میزان اهمیت از بیشترین به کمترین اهمیت.

- اختصاص وزن به شاخص ها برای استفاده در آزمون های حساسیت. در این روش بر اساس سناریوهای خاص وزن ها تخصیص داده می شود. در یک سناریو ممکن است همه ی شاخص ها را با اهمیت مساوی در نظر بگیریم. سناریوی دیگر می تواند وزن بیشتری را به شاخص های خاصی بدهد.

### رویکردهای مختلف در سنجش کیفیت زندگی شهری

همانطور که بیان شد، هر عبارتی که برای تعریف کیفیت زندگی شهری بکار رود، کیفیت زندگی یک فرد به حقایق عینی و خارجی زندگی اش و دریافت ها و ادراکات درونی و ذهنی او از این عوامل و (نیز) از خودش وابسته است. این اولین مقوله دو قسمتی تصدیق شده بوسیله اکثر پژوهش گران است. بنابراین، تحقیق در مورد کیفیت زندگی شهری می کوشد تا اثر مرکب این عوامل عینی و ذهنی را بر رفاه و سعادت شهروندان سنجش نماید.

همانطور که گفته شد دو دسته شاخص در سنجش کیفیت زندگی شهری بیشتر مورد توافق صاحب نظران قرار گرفته اند. دسته اول شاخص های عینی [۸] می باشند که اشاره به جنبه های عینی و قابل لمس زندگی شهری دارند و در ابعاد مختلف قالب تعریف می باشند. از جمله می توان به: تعداد بیمارستان های یک شهر، نرخ بیکاری، تعداد وقوع جرم، میزان فضاهای سبز شهری و ... اشاره کرد. دسته دوم شاخص های ذهنی [۹] می باشند که سعی دارند میزان رضایت مندی و رفاه شهروندان را از جنبه های مختلف شهری کمی و قابل اندازه گیری کنند. از جمله این شاخص ها می توان به: میزان رضایت مندی شهروندان از خدمات بهداشتی و درمانی شهری، میزان رضایت مندی از دسترسی به اشتغال، میزان رضایت مندی از امنیت شهری، میزان رضایت مندی از دسترسی به فضاهای سبز شهری و اشاره کرد.

باتوجه به این دو دسته شاخص در سنجش کیفیت زندگی شهری که تقریباً مورد توافق اکثر صاحب نظران قرار گرفته است، در ادبیات مطروحه در این زمینه ما با دو رویکرد اصلی در سنجش کیفیت زندگی شهری مواجه می شویم. رویکرد اول که از آن با عنوان سنجش کیفیت زندگی شهری عینی [۱۰] نام برده می شود و رویکرد دوم که از آن با عنوان سنجش کیفیت زندگی شهری ذهنی [۱۱] نام برده می شود.

در رویکرد اول با استفاده از شاخص های عینی، کیفیت زندگی شهری مورد سنجش و ارزیابی قرار می گیرد و میزان رضایت مندی شهروندان از جنبه های مختلف زندگی شهری مورد بررسی قرار نمی گیرد. در این رویکرد از داده های ثانویه برای تدوین شاخص ها استفاده می شود و تا حد زیادی به آمارگیری های انجام شده از شهر در سال های مختلف وابسته می باشد.

در رویکرد دوم با استفاده از شاخص های ذهنی، کیفیت زندگی شهری مورد سنجش و ارزیابی قرار می گیرد. در این رویکرد به جای استفاده از داده های ثانویه، شهروندان به طور مستقیم (از طریق پرسش نامه، مصاحبه و ...) مورد تحلیل قرار گرفته و میزان رضایت مندی آنها از جنبه های مختلف زندگی شهری بررسی می شود. سنجش کیفیت زندگی شهری با استفاده از این رویکرد مشکل تر بوده و وقت و هزینه بیشتری را نسبت به رویکرد اول، به خود اختصاص می دهد لیکن نتایج حاصل از آن منطقی تر بوده و بیشتر به واقعیت نزدیک می باشد.

در ادامه کاربست این رویکردها در دو پژوهش انجام شده در کشورهای ترکیه و استرالیا مورد بررسی قرار می‌گیرد و نتایج حاصل از آن تشریح می‌شود.

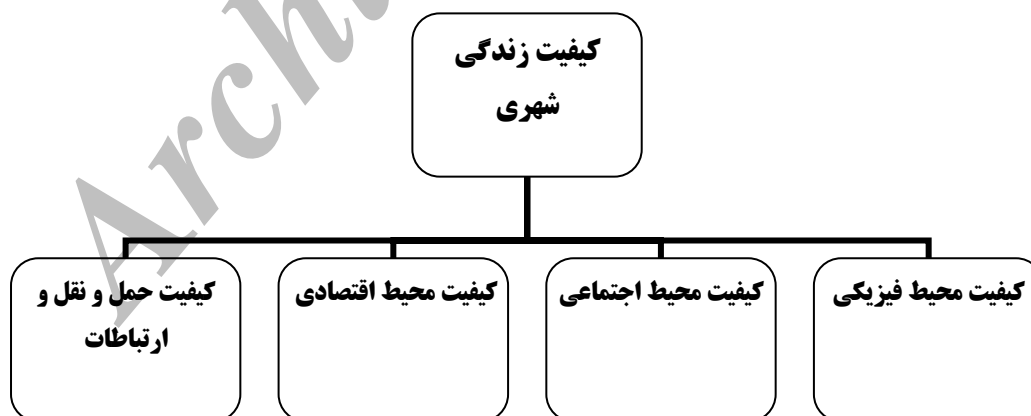
### دو نمونه پژوهش در رابطه با سنجش کیفیت زندگی شهری

#### استانبول

آلنگین و همکاران (۲۰۰۱) در پژوهشی با عنوان (رویکردی چندجانبه به کیفیت زندگی شهری) این مفهوم را در شهر استانبول مورد بررسی و سنجش قرار دادند (Ulengin, 2001, p354).

هدف از این پژوهش: هدف از این پژوهش، مدلینگ کردن اولویت‌ها، انتظارات و نیازهای ساکنین شهر استانبول که شهری با جمعیتی در حدود ۱۰ میلیون نفر می‌باشد، با استفاده از یک راهبرد چندجانبه می‌باشد. تعیین این اولویت‌ها می‌تواند به تخصیص بهینه و کارآیی منابع شهری کمک بسیاری کرده و به عنوان راهنما مورد استفاده برنامه ریزان شهری و تصمیم گیران محلی قرار بگیرد.

رویکرد پژوهش: رویکرد این پژوهش در سنجش و بررسی کیفیت زندگی شهری در استانبول بر اساس رویکرد سنجش کیفیت زندگی شهری با استفاده از شاخص‌های عینی بوده است. بدین صورت که یک گروه متخصص که شامل متخصصین تمامی رشته‌های مرتبط با شهر بود، گرد هم آمده و این متخصصان ابعادی از کیفیت زندگی شهری که در شهر استانبول بیشتر اهمیت دارد، تعیین کرده و سپس به منظور سنجش هر یک از این ابعاد شاخص‌هایی را تدوین نمودند. در ادامه گروه این ابعاد و شاخص‌ها را با رویکردی چندجانبه مورد وزن دهی و ارزش گذاری قرار دادند و میزان اهمیت هر کدام را در جهت بالا رفتن کیفیت زندگی شهری در شهر استانبول مشخص کردند. ابعاد در نظر گرفته شده: ابعاد مشخص شده برای کیفیت زندگی شهری در شهر استانبول در شکل شماره ۳ زیر دیده می‌شود:



شکل شماره ۳: ابعاد کیفیت زندگی شهری در استانبول

منبع: (Ulengin, 2001, p366)

در ادامه هر کدام از این ابعاد نیز به موضوعات دیگری تقسیم‌بندی شدند. این تقسیم‌بندی‌ها به صورت زیر می‌باشد:

الف: کیفیت محیط فیزیکی: ترتیب ساختمان‌ها، نوع مسکن، مناطق سبز، مناطق تفریحی، خدمات و زیرساخت‌های شهری ب: کیفیت محیط اجتماعی: میزان خدمات آموزشی، هزینه خدمات آموزشی، میزان خدمات بهداشتی،

فعالیت های فرهنگی، امنیت ج: کیفیت محیط اقتصادی: هزینه زندگی، فرصت پیدا کردن کار رضایت بخش، هزینه مسکن د: کیفیت حمل و نقل و ارتباطات: وسیله ی حمل و نقل، میزان حمل و نقل عمومی، جریان ترافیک هم چنین به منظور قابل اندازه گیری هر کدام از این موضوعات، برای هر کدام از آنها سنججه های مشخصی نیز تعیین شد. به عنوان مثال: نوع مسکن خود به دو نوع پیوسته و جدا از هم تقسیم شد و یا مناطق سبز به میزان پارک های بزرگ داخل شهر، میزان پارک های کوچک، میزان پارک های بزرگ اطراف شهر تقسیم شد. نتایج این پژوهش: مهم ترین نتیجه حاصل از این پژوهش اولویت بندی جنبه های مختلف کیفیت زندگی شهری در استانبول جهت تمرکز سیاست ها و راهبردهای شهرسازی بر روی آنها بوده است. به این ترتیب که بعد از تدوین ابعاد و شاخص های مختلف کیفیت زندگی شهری در استانبول و وزن دهی آنها توسط متخصصین، جدول شماره ۴ حاصل شد.

جدول شماره (۴) اولویت بندی جنبه های مختلف کیفیت زندگی شهری در استانبول

اولویت	موضوع	درصد اهمیت
۱	پیدا کردن شغل رضایت بخش	۲۱/۰۵
۲	خدمات و زیرساخت	۹/۸۲
۳	جریان ترافیک	۹/۰۱
۴	هزینه زندگی	۸/۶۸
۵	هزینه مسکن	۸/۲۶
۶	وسایل حمل و نقل عمومی	۸/۲۲
۷	وسایل ارتباطات	۷/۰۸
۸	ایمنی	۶/۶۴
۹	مناطق تفریحی	۴/۷۸
۱۰	وسعت خدمات آموزشی	۳/۹۸
۱۱	فعالیت های فرهنگی	۳/۹۸
۱۲	وسعت خدمات درمانی	۲/۶۷
۱۳	مناطق سبز	۲/۴۴
۱۴	نوع مسکن	۲/۱۲
۱۵	وسعت خدمات بهداشتی	۱/۶۳
۱۶	هزینه خدمات آموزشی	۱/۸۱
۱۷	قرارگیری ساختمان ها	۰/۶۵

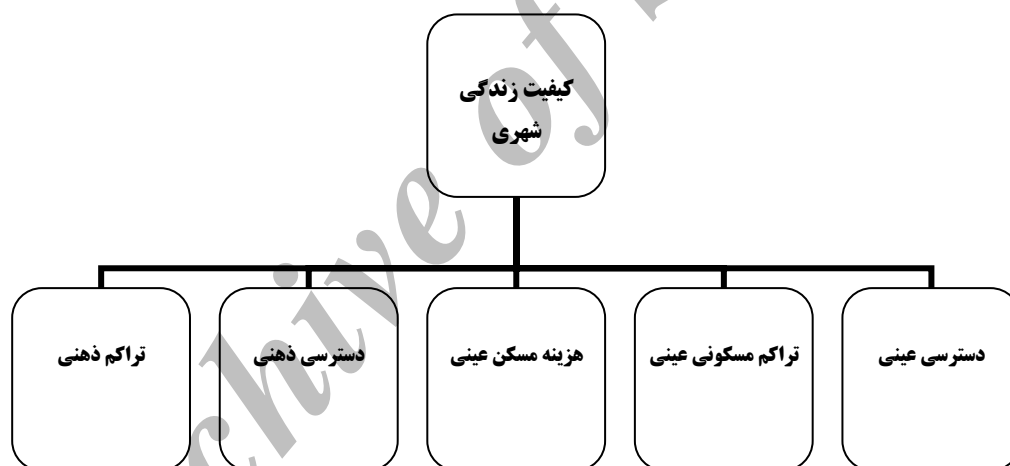
منبع: (Ulengin, 2001,p367)

در این جدول اولویت موضوعات و ابعاد مختلف کیفیت زندگی شهری در استانبول مشخص شده است و با استفاده از این جدول می توان تمامی اقدامات شهرسازی را بر روی موضوعاتی که تاثیر بیشتری بر روی کیفیت زندگی شهری دارند، متمرکز کرده و از این طریق به بالا بردن کیفیت زندگی شهری کمک کرد. به عنوان مثال همان طور که در جدول بالا دیده می شود، پیدا کردن شغل رضایت بخش در شهر استانبول بالاترین میزان اهمیت را در میان سایر موضوعات کیفیت زندگی شهری دارا می باشد، در نتیجه این می تواند راهنمای مناسبی برای برنامه ریزان شهری و تصمیم گیران محلی در اولویت بندی به اقدامات پیشنهادی شان باشد.

### منطقه جنوب شرقی کوئزلند

مک کریا و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان (نقاط قوت ارتباط بین شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی شهری چیست؟) رویکردی تازه و بدیع را در چگونگی سنجش کیفیت زندگی شهری در ادبیات مربوطه تدوین نمودند. آن‌ها هم‌چنین در پژوهش از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) جهت اتصال بین شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی شهری استفاده کردند (McCrea, 2006, p84).

هدف از این پژوهش: هدف اصلی در این پژوهش تدوین رویکردی نوین و جدید در سنجش کیفیت زندگی شهری می باشد. این رویکرد تازه بر این اساس می باشد که هیچ رابطه مشخص و اثبات شده ای بین شاخص‌های عینی و شاخص‌های ذهنی در کیفیت زندگی شهری وجود ندارد و نمی توان تنها با استفاده از یکی از این دو دسته شاخص کیفیت زندگی شهری را مورد بررسی و سنجش قرار داده و بر اساس آن تصمیم گیری نمود. رویکرد پژوهش: همانطور که گفته شد، رویکرد اصلی این پژوهش بر مبنای سنجش کیفیت زندگی شهری در منطقه جنوب شرقی کوئزلند با استفاده از تلفیق شاخص‌های عینی و شاخص‌های ذهنی بوده است. ابعاد در نظر گرفته شده: در این پژوهش ابعاد زیر برای کیفیت زندگی شهری در این منطقه در نظر گرفته شده است:



شکل شماره (۴) ابعاد مختلف کیفیت زندگی شهری در کوئزلند استرالیا

منبع: (McCrea et al, 2006, p 94)

در ادامه برای سنجش هر یک از ابعاد بالا، شاخص‌هایی در نظر گرفته شد:

دسترسی عینی: - فاصله تا دبیرستان، فاصله تا مراکز خرید، فاصله تا تسهیلات ورزشی، فاصله تا بیمارستان

تراکم مسکونی عینی: تراکم جمعیتی (در کیلومتر مربع)، تراکم مسکونی (در کیلومتر مربع)

هزینه مسکن عینی: - قیمت اجاره و خرید مسکن در مناطق آماری

دسترسی ذهنی: - رضایت مندی از دسترسی به دبیرستان، رضایت مندی از دسترسی به مراکز خرید، رضایت مندی از دسترسی به تسهیلات، رضایت مندی از دسترسی به بیمارستان

نتایج: همان طور که گفته شد این پژوهش به دنبال تبیین رویکرد نوینی در سنجش کیفیت زندگی شهری بوده است. مهم ترین نتایج حاصل از آن عبارتند از:

- رابطه ضعیفی میان شاخص های عینی و شاخص های ذهنی وجود دارد.  
- نمی توان اقدامات شهرسازی را تنها بر اساس نتایج سنجش کیفیت زندگی شهری تنها با استفاده از یک نوع شاخص (عینی یا ذهنی) اولویت بندی کرد بلکه می بایست ارتباط بین این دو دسته شاخص و تاثیرگذاری آنها بر کیفیت زندگی شهری به طور مداوم مورد تحلیل قرار بگیرد.

### نتایج پژوهش

مهم ترین نتایج پژوهش حاضر عبارتند از:

- مفهوم کیفیت زندگی شهری یکی از مهم ترین مفاهیمی است که می بایست همواره در مراحل مختلف فرآیند برنامه ریزی شهری مورد توجه قرار بگیرد.
- مفهوم کیفیت زندگی شهری، مفهومی چند جانبه و چند بعدی می باشد. با این حال این مساله که این مفهوم از دو بعد عینی و ذهنی تشکیل شده است، مورد توافق صاحب نظران قرار گرفته است.
- مطالعات صورت گرفته در ادبیات مربوطه، نشان می دهد رابطه ی ضعیفی بین شاخص های عینی کیفیت زندگی شهری و شاخص های ذهنی آن وجود دارد. در نتیجه الزاماً نمی توان گفت با بهبود در وضعیت شاخص های عینی، در وضعیت شاخص های ذهنی کیفیت زندگی شهری نیز بهبود حاصل شده است.
- به دلیل ارتباط ضعیف بین شاخص های عینی و ذهنی کیفیت زندگی شهری، برنامه ریزان شهری نمی بایست از شاخص های ذهنی برای اندازه گیری تغییرات در کیفیت عینی زندگی شهری استفاده کنند. در واقع ممکن است علی رغم اینکه در شاخص های عینی زندگی شهری بهبود حاصل شده باشد لیکن شاخص های ذهنی چنین چیزی را نشان ندهند و بالعکس.
- بدلیل مشابه، از شاخص های عینی نیز نمی توان برای پیش بینی تغییرات در کیفیت ذهنی زندگی شهری استفاده کرد.
- سنجش کیفیت زندگی شهری تنها با استفاده یکی از دو دسته شاخص های عینی و شاخص های ذهنی نمی تواند تصویری روشن و منطبق بر واقعیت را برای برنامه ریزان شهری ترسیم کند و نادیده گرفتن هر یک از این دو دسته می تواند انحرافات بزرگی را در برنامه ریزی ها به وجود بیاورد.
- مطالعات اخیر نشان می دهد، مناسب ترین راه برای سنجش کیفیت زندگی شهری و استفاده از نتایج آن در برنامه ریزی های شهری، استفاده هم زمان و پیوسته از شاخص های عینی و ذهنی در سنجش کیفیت زندگی شهری می باشد. در واقع می بایست سیستمی طراحی شود که بطور مداوم بر میزان کیفیت زندگی شهری با استفاده از هر دو دسته شاخص نظارت کرده و نتایج را هم زمان در اختیار برنامه ریزان شهری و تصمیم گیران قرار دهد.

### پی نوشت ها

1-Quality of Life  
2-Urban Quality of Life  
3-Support Concept  
7-Quantitativeness  
8-Objective Indicators  
9-Subjective Indicators

4-Data Availability and Quality  
5-Sensitivity  
6-Simplicity  
10-Objective Urban Quality of Life  
11-Subjective Urban Quality of Life

منابع

- Blomquist, G.C., Berger, M.C., Hoehn, J.P (1988). **New estimates of quality of life in urban areas.** American Economic Review 78 (1), 89-107.
- Boyer, R., Savageau, D. (1981). **Places Rated Almanac.** Rand McNelly, Chicago.
- Dissart, J. Deller, S. (2000). "Quality of Life in the Planning Literature". **Journal of Planning Literature**, 15: 135-161
- Dwyer, A., Zoppou, C., Nielsen, O., Day, S. & Roberts, S. (2004). **Quantifying Social Vulnerability: A methodology for identifying those at risk to natural hazards.** GeoCat No. 61168, Geoscience Australia.
- Evans, D.R. (1994). "Enhancing quality of life in the population at large". **Social Indicators Research**. 33: 47-88
- Hancock, T., Labonte, R., Edwards, R. (1999). "Indicators that count! Measuring population health at the community level". **Canadian Journal of Public Health**, 20: 22-26
- Healthy City Toronto. (1993). **Toronto's first state of city report.** Healthy City Project, Toronto.
- Liu, B.C. (1976). **Quality of Life Indicators in US Metropolitan Areas: A Statistical Analysis**", Praeger, New York.
- Massam, B.H. (2002). "Quality of life: Public planning and private living. **Progress in Planning**, 58: 141-227.
- McCrea, R., Shyy, T., Stimson, R. (2006). **What is the Strength of the Link Between Objective and Subjective Indicators of Urban Quality of Life?**. Applied Research in Quality of Life, 1: 79-96
- Megone, C. (1990). **The quality of life: Starting from Aristotle.** In: Baldwin, S., Godfrey, C., Propper, C. (Eds.), Quality of Life: Perspectives and Policies. Biddles, London, pp. 28-41.
- Protassenko, T. (1997). "Dynamics of the standard of living in St Petersburg during five years of economic reform". **International Journal of Urban and Regional Research** 21 (3), 445-454.
- Romney, David M., Roy I. Brown, and Prem S. Fry. (1994). **Improving the quality of life: Prescriptions for change.** Social Indicators Research. 33: 237-72.
- Santos, L.D., Martins, I. (2007). **Monitoring Urban Quality of Life: The Porto Experience.** Social Indicators Research, 80: 411-425.
- Stover, M.E., Leven, C.L. (1992). **Methodological issues in the determination of the quality of life in urban areas.** Urban Studies 29 (5), 737-754.
- Sufian, A.J.M. (1993). **A multivariate analysis of the determinants of urban quality of life in the world's largest metropolitan areas.** Urban Studies, 30(8):1319-1329.
- Ulengin, B. Ulengin, F. Guvenc, U. (2001). "A multidimensional approach to urban quality of life: The case of Istanbul". **European Journal of Operational Research**, 130: 361-374
- UNDP. (1994). **Human Development Report.** Oxford: Oxford University Press,